

دلایل توجیهی حمایت افتراقی از بزه‌دیدگان آسیب پذیر در پرتو آموزه های علوم جنایی (با نگاهی به قوانین موضوعه ایران)



حسن حاجی تبار فیروزجائی*

چکیده

یکی از موضوعات نسبتاً جدید در قلمرو رشته بزه دیده شناسی حمایتی در سطح ملی و بویژه بین المللی، مطالعه و بررسی گونه های خاص بزه دیدگی است. بر این پایه، شایسته است که یک گرایش جدیدی در زمینه بزه دیده شناسی حمایتی راجع به بزه دیدگان آسیب پذیر(خاص) تحت عنوان «بزه دیده شناسی حمایتی افتراقی» ایجاد شود که بایستی از یک نوع سیاست جنایی افتراقی بر مبنای اصل «تبعیض مثبت» و متناسب با نیازها و مشکلات خاص این دسته از بزه دیدگان تبعیت کند. به همین منظور، مقاله حاضر ضمن بررسی اجمالی مفهوم بزه دیدگان آسیب پذیر و گونه های خاص حمایت از آنان بر اساس سیاست جنایی افتراقی در قسمت مقدماتی در صدد پاسخ به این سؤال اساسی است که آیا مسأله ضرورت حمایت ویژه از بزه دیدگان آسیب پذیر در آموزه های علوم جنایی و نیز قوانین موضوعه ایران جایگاهی دارد؟ در پاسخ، می توان اینگونه نتیجه گیری کرد که اگرچه در اکثر آموزه های علوم جنایی- مورد اشاره در این مقاله- به طور صریح و مستقیم به مسأله حمایت از بزه دیدگان و بویژه بزه دیدگان آسیب پذیر و حمایت افتراقی از آنان پرداخته نشده است ولی با این وجود، اغلب می توان از طریق برداشت ضمنی و غیر مستقیم بین آموزه های علوم جنایی و مضامین و محتوای آنها با مسأله ضرورت حمایت ویژه از بزه دیدگان آسیب پذیر رابطه منطقی برقرار کرد. به عبارت دیگر، دلایل توجیهی حمایت از بزه دیدگان آسیب پذیر در بطن مضامین و محتوای هر یک از شاخه های مذکور نهفته است.

کلید واژه‌ها

بزه دیدگان آسیب پذیر، سیاست جنایی افتراقی، بزه دیده شناسی، حمایت، آموزه های علوم جنایی، قوانین ایران

*دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر. پست الکترونیکی: Hajitabar@yahoo.com

مقدمه

از یک منظر، بزه دیدگان رفتارهای مجرمانه را می توان به دو دسته ذیل تقسیم بندی نمود: ۱- بزه دیده عادی؛ شامل کلیه اشخاصی می شود که در پی فعل یا ترک فعل های ناقض قوانین کیفری دچار آسیب اعم از جسمی، روانی، درد و رنج عاطفی، اقتصادی و غیره شده اند. این مفهوم از بزه دیده، دربرگیرنده بزه دیده خاص نیز هست. ۲- بزه دیده آسیب پذیر یا خاص؛ این اصطلاح یادآور عنوانی مشابهی «بزه دیده بی گناه» است که دانشمندانی چون «فون هنتیگ»^۱ (۱۹۴۸) و «مندلسون»^۲ (۱۹۵۶) در تحقیقات و مطالعات بزه دیده شناسی شان پیرامون مسأله «بررسی روابط میان بزه کار و بزه دیده و تقسیم بندی انواع بزه دیدگان» بدان اشاره نموده اند. (۱) دانشمندان مذکور در نوشته هایشان از «بزه دیده بی گناه»، عنوانی دیگری مانند «بزه دیده پنهان» یا «بزه دیده ایده آل» نیز یاد می کنند. (۲) منظور از «بزه دیده بی گناه یا بالقوه»، کسانی هستند که هیچ گونه نقشی حتی جزئی در وقوع رفتار مجرمانه و بزه دیدگی شان ندارند و بزه دیده واقع شدن آنان صرفاً نتیجه شرایط و اوضاع و احوال خاص خواهد بود. به عبارت دیگر، این دسته از بزه دیدگان به خاطر داشتن شرایط و ویژگی های خاص، آمادگی و استعداد خاص برای بزه دیده واقع شدن را دارند. این شرایط و ویژگی های خاص بزه دیدگی را می توان به دو دسته ذیل تقسیم نمود: ۱- بزه دیدگی بر مبنای ویژگی های شخصی و ذاتی عبارتند از: سن (کودکی و سالمندی)، جنس (زنان) و ناتوانی جسمی و روانی (مانند نابینایان، ناشنویان، عقب ماندگان ذهنی، مجانین، مبتلایان به اختلالات عصبی و روانی) ۲- بزه دیدگی بر مبنای ویژگی های موقعیتی. موقعیت های آسیب رسان بزه دیدگی عبارتند از: موقعیت ناشی از شغل و یا عنوان (قضات، کارشناسان، شاکی خصوصی، شهود)، موقعیت اقتصادی (فقر و درآمد کم)، موقعیت سیاسی (درگیری های سیاسی و نظامی مانند جنگ، کودتا)، موقعیت اجتماعی (اقلیت ها، پناهندگان، بی خانمان، مهاجرین) و موقعیت طبیعی و مصنوعی (مانند سیل، زلزله، طوفان، آتش سوزی، تصادف رانندگی).

بنابراین، بزه دیدگان آسیب پذیر اشخاصی هستند که به دلیل داشتن وضعیت و ویژگی خاص فردی و یا قرار گرفتن در موقعیت استثنائی، به طور دائمی یا موقت، از محافظت و مراقبت خویش در قبال سوء استفاده ها و بهره کشی های گوناگون جسمی، روانی، عاطفی، اقتصادی، اجتماعی و جنسی ناتوان بوده و نیازمند برخورداری از خدمات و تدابیر حمایتی ویژه هستند؛ به گونه ای که اگر این وضعیت و ویژگی در آنها وجود نمی داشت و یا آن موقعیت برای آنان بوجود نمی آمد، یا بزه دیده واقع نمی شدند و یا احتمال بزه دیدگی و در معرض خطر قرار گرفتن شان کمتر می بود.

1- Von Hentig
2- Mendelson

لذا، عقل سلیم اقتضا می کند که در قلمرو بزه دیده شناسی حمایتی باید یک باب جدیدی نسبت به این دسته از بزه دیدگان تحت عنوان «بزه دیده شناسی حمایتی افتراقی» ایجاد شود که بایستی از یک سیاست جنایی افتراقی متناسب با نیازها و مشکلات خاص آنان تبعیت کند. کما آنکه، پیرو چنین جریان فکری، مجامع بین المللی و ملی نیز به منظور توسعه سیاست جنایی و اجرای عدالت نسبت به بزه دیدگان بر مبنای وضعیت خاص شان اقدام به وضع قوانین و مقررات خاص جهت حمایت از بزه دیدگان آسیب پذیر نموده اند. به عنوان مثال، می توان به برخی از اسناد وضع شده از سوی سازمان ملل متحد در این راستا اشاره نمود که عبارتند از: اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت ۱۹۸۵ (پاراگراف سوم و هفدهم)، کنوانسیون ملل متحد درباره مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی ۲۰۰۰ (مواد ۲۳، ۲۴ و ۲۵)، کنوانسیون ملل متحد درباره مبارزه با فساد ۲۰۰۳ (مواد ۲۵، ۳۲ و ۳۳)، اساسنامه دادگاه کیفری دائمی بین المللی رم ۱۹۹۸ به عنوان مثال، مواد ۵۳ (۲) (ج)، ۶۸ و ۷۰ (ل) (ج و د)، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت ۲۰۰۶، کنوانسیون بین المللی درباره رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹، کنوانسیون بین المللی درباره حذف کلیه اشکال تبعیض نژادی ۱۹۶۵، اصول ملل متحد درباره افراد پیر ۱۹۹۱.

بنابراین، به دلیل واقعیت داشتن وجود بزه دیدگان آسیب پذیر و ضرورت توجه ویژه به آنان، انصاف و عدالت جنایی ایجاب می نماید که قانونگذاران و سیاست گذاران هر جامعه در کنار سیاست جنایی حمایتی عام بایستی از یک سیاست جنایی حمایتی افتراقی بر مبنای «تبعیض مثبت و یا معکوس» تبعیت کنند. (۳)

در ادامه، اشاره ای مختصر به تدابیر و برنامه های حمایتی ویژه از بزه دیدگان آسیب پذیر بر مبنای ضرورت تدوین سیاست جنایی افتراقی خواهیم نمود. این برنامه ها و تدابیر حمایتی را می توان در یک تقسیم بندی کلی به دو دسته تقسیم نمود:

الف- حمایت کیفری ویژه؛ حمایت کیفری به دو قسمت «ماهوی» و «شکلی» تقسیم می شود که هر کدام به شرح ذیل از دو قسمت تشکیل شده اند.

- حمایت کیفری ماهوی افتراقی؛ عبارتند از: جرم انگاری حمایتی و کیفر انگاری حمایتی.

اصولاً «جرم انگاری حمایتی» مبتنی بر نوعی وضعیت آسیب شناسانه خاص بزه دیده است (۴) و عبارتست از «فرآیندی که به موجب آن دولت فعل یا ترک فعل های آسیب زا و مضر به حال بزه دیدگان آسیب پذیر را بر پایه وضعیت آسیب شناسانه خاص، ممنوع اعلام کرده و برای نقض آن ضمانت اجرا تعیین نماید». «جرم انگاری حمایتی» بر پایه این تعریف، همانطوری که دیگران هم اعتقاد دارند، به دو صورت امکان پذیر است. (۵) نخست، جرم انگاری فعل یا ترک فعل هایی که با توجه به وضعیت خاص اشخاص آسیب پذیر ارتکاب یابد. در قوانین و مقررات ایران می توان به طور پراکنده مصادیقی از جرم انگاری خاص را یافت نمود مانند مواد ۶۱۹، ۶۳۳، ۷۱۳ ق. م. ت و ب و ۱۳۷۵ و قانون حمایت از کودکان

و نوجوانان ۱۳۸۱. دیگری، جرم انگاری عدم گزارش و اعلام جرایم علیه اشخاص آسیب پذیر؛ به این معنی که چنانچه شخصی از وقوع جنایت علیه دیگری آگاهی داشته و عمداً آن را به مقامات ذیصلاح قانونی اطلاع ندهد عمل وی جرم و قابل مجازات است. این مسأله در ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱ پیش بینی شده است.

کیفر انگاری حمایتی و یا به تعبیری «تشدید مجازات» (۶) عبارتست از «پیش بینی کیفیات و عوامل مشدده مجازات». گستره و قلمرو «کیفر انگاری حمایتی» وسیع است که در یک نگاه می توان به دو نوع تقسیم کرد: نخست، شیوه معمول تشدید مجازات یعنی تشدید مجازات از حیث نوع و یا میزان آن است. نمونه هایی از این نوع تشدید مجازات در حقوق جزای ایران را می توان مثال زد: بند ج ماده ۲۰۶ ق.م.ا. ۱۳۷۰، تبصره ۱ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان ۱۳۸۳، تبصره ۳ بند ب ماده ۶۲۱ ق.م.ت و ب ۱۳۷۵. دیگری، پیش بینی ضمانات اجراهای تکمیلی و ترمیمی در کنار مجازات اصلی جرایم علیه اشخاص آسیب پذیر. در حقوق جزای ایران در مواردی مانند مواد ۱۹ و ۶۲ مکرر از ق.م.ا. ۱۳۷۰ و ماده ۷۲۸ ق.م.ت و ب ۱۳۷۵ این نوع تشدید مجازات به طور عام مورد توجه و پیش بینی قرار گرفته است مانند سلب حق حضانت از والدین، انفصال موقت یا دائم، ابطال پروانه کسب، تعطیلی موقت یا دائم مؤسسه.

۲- حمایت کیفری شکلی افتراقی؛ این نوع حمایت را می توان به دو نوع تقسیم کرد: نخست، حمایت حقوقی و قضایی؛ منظور آن دسته از حقوق و امتیازاتی است که بزه دیدگان بایستی در فرآیند دادرسی کیفری (از زمان کشف جرم و اعلام بزه دیدگی تا اجرای حکم و نیز جبران ضرر و زیان) از آنها بهره مند شوند مانند رعایت احترام به منزلت بزه دیده، ارائه دیدگاهها و نگرانیهای بزه دیدگان، تأمین امنیت بزه دیده، آگاه سازی بزه دیده از حقوق خود، فراهم کردن ساز و کارهای جبران خسارات. (۷) در حقوق جزای شکلی ایران، موارد حمایت شکلی ویژه از بزه دیدگان آسیب پذیر بسیار محدود و استثنایی است. موارد استثنایی حمایت ویژه از کودکان بزه دیده در حقوق ایران عبارتند از: غیر قابل گذشت بودن کودک آزاری و عدم احتیاج به شکایت شاکی خصوصی (ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱) و ماده ۷۲ ق.ت.د.ع و ا ۱۳۷۸ که مقرر می دارد: «در مواردی که تعقیب امر جزایی منوط به شکایت شاکی خصوصی است. و متضرر از جرم، محجور (صغیر، غیر رشید یا مجنون) بوده و دسترسی به ولی یا قیم او نباشد یا مجنی علیه ولی یا قیم نداشته باشد و نصب قیم موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود، تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادگاه شخص دیگری را به عنوان قیم موقت تعیین می کند و یا خود امر جزایی را تعقیب نموده و اقدامات ضروری را بر حفظ و جمع آوری دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می آورد». راجع به سالمندان متأسفانه در آیین دادرسی کیفری ایران هیچ گونه تدابیر ویژه ای در این راستا پیش بینی نشده است. موارد استثنایی حمایت افتراقی از ناتوانان در فرآیند دادرسی کیفری ایران فقط

ناظر بر چند چهارمورد ذیل است. مورد اول، ماده ۷۲ ق. ت. د. ع و ۱۳۷۸ است که راجع به تعیین قیّم موقت برای محجور (غیر رشید) برای تعقیب امر جزایی در مواردی که نیازمند شکایت شاکی خصوصی است ۰ مورد دوم، ماده ۸۸ ق. ت. د. ع و ۱۳۷۸ است که راجع به حمایت پزشکی از ناتوانان بزه‌دیده می‌باشد. این ماده مقرر می‌دارد: «برای معاینه اجساد و جراحتهای و آثار و علائم ضرب و صدمه‌های جسمی و آسیب‌های روانی و سایر معاینه‌ها و آزمایش‌های پزشکی، قاضی از پزشک قانونی معتمد دعوت می‌نماید و ...». مورد سوم، ماده ۲۰۴ قانون فوق‌الذکر است که مقرر می‌دارد: «در صورتی که مدعی خصوصی یا متهم یا مطلعین کر یا لال باشند دادگاه اقدام لازم را برای تحقیق از آنها به وسیله اشخاص خبره معمول خواهد داشت». ایراد ماده مذکور این است که فقط به افراد کر و لال، اشاره نمود، حال آنکه در مورد تحقیق از سایر ناتوانان بزه‌دیده نیز استفاده از اهل خبره ضروری است. مورد چهارم، ماده ۱۳ قانون جامع حمایت از معلولان ۱۳۸۳ است که مقرر می‌دارد: «سازمان بهزیستی کشور موظف است با ایجاد ساز و کار مناسب، نسبت به قیّمومت افراد معلول اقدام نماید، دادگاهها موظفند در نصب یا عزل قیّم افراد معلول صرفاً از طریق سازمان مذکور عمل و مبادرت به صدور حکم نمایند. تبصره ۱- سازمان بهزیستی کشور موظف است جهت دفاع از حقوق افراد معلول، در محاکم قضایی و کیل تعیین نموده و به دادگاه معرفی کند. تبصره ۲- سازمان مذکور مجاز است در موارد ضروری جهت جلوگیری از تضییع حقوق معلولین بی‌سرپرست به نمایندگی از آنها در دادگاهها طرح دعوا و دادخواهی نماید ...». حمایت کیفری شکلی ویژه از زنان نیز ضابطه‌مند و منسجم نبوده و بیشتر تابع قواعد و مقررات عمومی است. تنها در پاره‌ای از موارد به حقوق حمایتی زنان در فرآیند عدالت کیفری توجه ویژه شده است که عبارتند از: پیش‌بینی استفاده از مشاوران زن در دادگاه خانواده (تبصره ۳ ماده واحد قانون اختصاص تعدادی از دادگاههای موجود به موضوع اصل ۲۱ ق. ا. مصوب ۱۳۷۶) و حفظ هویت و اسرار زن بزه‌دیده. این نکته به‌طور ضمنی از بند ۲ ماده ۱۸۸ قانون آ. د. ک ۱۳۷۸ فهمیده می‌شود. موارد حمایت شکلی ویژه از شهود در ایران عبارتند از: تحصیل شهادت از طریق غیر علنی کردن جلسه دادرسی به منظور منع افشاء هویت شهود، کارشناسان و شاکیان خصوصی است (مستنبط از مواد ۱۵۲ و ۲۵۵ ق. آ. د. ک. ۱۳۷۸)، شهادت در اتاق قاضی بدون حضور متهم (مواد ۱۵۱ و ۱۹۶ قانون آ. د. ک. ۷۸)، حضور قاضی در محل اقامت شاهد در صورت بیمار بودن وی یا عدم توانایی حضور و ... (ماده ۱۶۱ قانون آ. د. ک. ۷۸)، پرداخت خسارت به شاهد در صورت ادعای ضرر و زیان به خاطر تعطیل شدن کار یا هزینه رفت و آمد (ماده ۱۶۰ ق. آ. د. ک. ۷۸)؛ بازداشت موقت متهم به منظور جلوگیری از امتناع شاهد از ادای شهادت در اثر تهدید و انتقام احتمالی (بند (د) ماده ۳۲ قانون آ. د. ک. ۷۸)

دیگری، حمایت فرا قضایی؛ شامل آن دسته از حمایت‌های غیر حقوقی و قضایی می‌شود که اغلب در قالب «سیاست جنایی مشارکتی» و بعضاً «سیاست جنایی تقنینی» در مرحله پس از بزه دیدگی (البته در کنار فرآیند دادرسی کیفری و یا مرتبط با آن) به کار گرفته می‌شوند. این دسته از حمایت‌ها نه تنها

شامل حمایت های پزشکی، بلکه حمایت های عاطفی و حیثیتی، حقوقی، اجتماعی و مالی را نیز در بر می گیرد که معمولاً توسط نهادها و گروه های مردمی و خودجوش به منظور حمایت از بزه دیدگان و جلوگیری از تشدید آلام و فشارهای وارده بر آنان صورت می گیرند مانند تأسیس کمیسیون جبران خسارت، تأسیس مراکز درمانی فوری، تأسیس مراکز مشاوره روان شناختی و روانپزشکی، ایجاد انجمن های کمک به بزه دیدگان. (۸)

ب- حمایت پیشگیرانه افتراقی. این نوع از حمایت شامل آن دسته از تدابیر و شیوه های غیر کنونی و غیر قهر آمیز می شود که در مرحله قبل از بزه دیدگی به منظور حذف یا خنثی سازی عوامل بزه دیده زا و یا تغییر موقعیت های آن در راستای حمایت ویژه از بزه دیدگان آسیب پذیر به کار گرفته می شوند. این نوع از شیوه های حمایتی را می توان به دو نوع «پیشگیری اجتماعی» و «پیشگیری وضعی» تقسیم بندی کرد. به دلیل گسترده بودن موضوع و جلوگیری از اطاله کلام از اشاره به این امر خودداری می کنیم. (۹) بنابراین، سیاست جنایی افتراقی حاکم بر بزه دیدگان آسیب پذیر، نمادی بارز از تعامل میان حقوق کیفری و جرم شناسی پیشگیرانه است.

اکنون، بعد از شناخت اجمالی از تعریف بزه دیدگان آسیب پذیر و گونه های خاص حمایت از آنان بر مبنای سیاست جنایی افتراقی، نوبت پرداختن به موضوع اصلی مقاله حاضر یعنی «دلایل توجیهی حمایت ویژه از بزه دیدگان آسیب پذیر در پرتو آموزه های علوم جنایی» می رسد. همچنین در این قسمت سعی خواهیم نمود تا در پرتو هر یک از آموزه های مذکور، به جایگاه کلی حمایت ویژه از بزه دیدگان آسیب پذیر در قوانین و مقررات کنونی ایران اشاره شود. مطلب قابل ذکر این است که ما در این قسمت تنها به معرفی کوتاه نمونه هایی از تدابیر حمایتی ویژه از بزه دیدگان آسیب پذیر در قوانین ایران می پردازیم. زیرا، از یک سو، همانطوری که فوقاً اشاره کردیم، گونه های این دسته از بزه دیدگان متعددند و از سوی دیگر، دامنه و گستره قوانین و مقررات حمایتی از آنان در ایران بسیار وسیع و گسترده است و پرداختن به این قوانین و مقررات حمایتی راجع به هر کدام از گونه های بزه دیدگان آسیب پذیر نیازمند تدوین مقاله های جداگانه و متعدد است. بنابراین، با توجه به اینکه مقاله حاضر صرفاً راجع به بزه دیدگان آسیب پذیر به طور کلی است لذا تنها به معرفی کوتاه نمونه هایی از تدابیر حمایتی ویژه از بزه دیدگان آسیب پذیر در قوانین ایران می پردازیم.

آموزه های علوم جنایی

علوم جنایی به عنوان یکی از شاخه های رشته علوم انسانی است که به نوبه خود حاوی گرایش ها و شاخه های متعدد نیز هست. (۱۰) اندیشمندان علوم جنایی در برخی از گرایش های آن به ویژه در حقوق کیفری، جرم شناسی، بزه دیده شناسی و کیفر شناسی به موضوع بزه دیدگان و تضمین حقوق آنان و حتی بزه دیدگان آسیب پذیر توجه داشته اند. به عبارت دقیق تر، می توان اینگونه بیان کرد که در هر

یک از آموزه های مذکور می توان مضامین و موضوعاتی را یافت کرد که در بطن شان به ضرورت حمایت ویژه از بزه دیدگان آسیب پذیر تأکید و اشاره دارند. فی الواقع، این قسمت از مقاله با بررسی آموزه های مذکور، قصد دارد تا در پایان به سؤال اساسی مورد اشاره در چکیده پاسخ دهد. اما آموزه های علوم جنایی مرتبط عبارتند از:

الف - حقوق کیفری

حقوق کیفری به عنوان یکی از شاخه های اصلی علوم جنایی حقوقی، دربردارنده قواعد و مقرراتی در باب جرایم و عناصر تشکیل دهنده آن، مسئولیت کیفری و مجازات، عوامل مخففه یا مشدده مجازات ها و غیره است. وظیفه اصلی این شاخه از علوم جنایی از یک سو، دفاع از حقوق جامعه و نظم عمومی از طریق معرفی رفتارها و کنش های ضد اجتماعی (جرایم) و پیش بینی واکنشهای اجتماعی علیه آن (مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی) است تا از سوی دیگر، پیرو بند فوق به هدف عمده اش یعنی دستیابی به عدالت و اجرای دقیق آن نائل شود. بر این اساس، بحث حمایت از اشخاص آسیب پذیر و ارتباط آن با آموزه های حقوق کیفری را می توان به شرح ذیل ترسیم و تبیین نمود. به عبارت دیگر، ریشه های اصلی مسأله حمایت از اشخاص آسیب پذیر را می توان به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در بطن حقوق کیفری یافت کرد با این توضیح که:

اولاً، حمایت از بزه دیدگان آسیب پذیر، فی الواقع، احترام و ارج نهادن به کارکرد ها و رسالت های حقوق کیفری است. (۱۱) حقوق کیفری در راستای دفاع از حقوق جامعه و نظم عمومی، واکنشهایی اجتماعی (ضمانت اجراهای کیفری) را علیه کنش های ضد اجتماعی به کار می گیرد. در این راستا، حقوق کیفری سه نقش و کارکرد ذیل را ایفا می کند که حمایت از اشخاص آسیب پذیر و لزوم توجه به حقوق و منافع آنها در هر کدام از سه نقش ذیل نیز تبلور پیدا می کند.

۱ - نقش سرکوب گرانه : وظیفه اصلی حقوق کیفری، سرکوب کردن اعمالی است که به نحوی ارزشهای پذیرفته شده در جامعه، منافع عمومی و نظم عمومی را مورد تعرض قرار می دهند. این نقش از جمله نقشهای غیر قابل انکار و اجتناب ناپذیر این شاخه از علوم جنایی است. یکی از ارزشهای پذیرفته در جوامع، حمایت از اشخاص آسیب پذیر است که حقوق کیفری در اینجا از طریق جرم انگاری خاص و پیش بینی کیفیات مشدده مجازات ها به حمایت از این اشخاص در برابر سوء رفتارها و تعرض ها می پردازد.

۲ - نقش توصیفی : حقوق کیفری علاوه بر نقش سرکوب گرانه، نقش بیان و توصیف ارزشهای اساسی مختلف در جامعه را نیز ایفا می کند. در حقیقت، جرم به معنای تعرض به ارزشها تعریف می شود. بنابراین حقوق جزا ضمن اینکه نسبت به تعرضات به ارزشها پاسخ سرکوب گرانه می دهد به نوعی، ارزشها را نیز توصیف می کند. به همین منوال، حمایت از بزه دیدگان به ویژه اشخاص آسیب پذیر در هر

جامعه ای بیانگر احترام و دفاع از ارزشهای اساسی آن جامعه است که نه تنها جزو رسالت های حقوق جزا است بلکه از زمره اهداف سیاست جنایی یک جامعه هم محسوب می شود. (۱۲) عزت عبد الفتاح در این باره نیز اشاره می کند: « حمایت از قربانیان بزهکاری و کمک به آنان باید بخشی از ارزشهای اساسی جامعه محسوب شود». (۱۳)

۳- نقش حمایتی: تضمین امنیت جامعه و آزادی های فردی و حمایت از این دو موضوع نیز از وظایف حقوق کیفری است که اصل قانونی بودن بیانگر این امر است. نقش حمایتی حقوق کیفری، جامعه ای بر اساس اصول آزادی و مردم سالاری را پیشنهاد می کند. (۱۴)

در حقوق ایران، مواردی مانند مواد ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۵۳ ق. م ۱۳۷۰، ماده ۴ قانون حمایت از کودکان ۱۳۸۱؛ مواد ۶۳۳، ۶۵۸، ۵۹۶، ۶۱۹، ۶۴۲ ق. م. ت و ب ۱۳۷۵ و غیره بیانگر نقش های فوق الشعار حقوق کیفری هستند.

ثانیاً، هدف عمده حقوق کیفری، لزوم دسترسی به عدالت و اجرای آن است. رسیدن به این هدف عالی و مطلوب، مقصود تمامی قانونگذاران و سیاست گذاران جنایی دنیا در جرم انگاری تمامی رفتارهای مجرمانه و مجازات آنها می باشد. اصطلاح «جرم» در معنای ساده، تعرض به ارزشهای اساسی جامعه مانند احترام به حقوقی مانند حق حیات و تن، حق آزادی، حق مالکیت، حق داشتن امنیت و آسایش عمومی است. یکی از ارزشهای اساسی پذیرفته شده در جرم دانستن برخی اعمال، برقراری عدالت قضایی است. بر این اساس مفهوم عدالت کیفری - البته در مسأله جرم انگاری - را می توان از دو منظر عام و خاص نگریست. عدالت کیفری در معنی عام شامل هم عدالت قضایی و هم عدالت غیر قضایی دانست. عدالت کیفری قضایی در حقیقت، همان چیزی است که در یک فرآیند دادرسی جنایی بایستی مورد توجه قرار گیرد. در اینجا جرایمی تحت عناوین مختلف مانند موانع اثبوتی استقرار عدالت (مانند عدم اعلام جرم نسبت به بزه دیدگان خاص، تهدید یا ترساندن قربانی جرم به عدم طرح شکایت یا استرداد آن)، موانع اثباتی در اجرای عدالت (مانند استتکاف و امتناع از اجرای عدالت، اعمال فشار و تهدید علیه مقامات قضایی و اداری، رشوه، جرایم مربوط به ادای شهادت) مورد بحث و بررسی قرار می گیرند. (۱۵) اما در عدالت غیر قضایی، جرایمی غیر از جرایم علیه عدالت قضایی نظیر جرایم علیه اشخاص، جرایم علیه اموال، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی و غیره مورد بررسی قرار می گیرد. از اینرو، دستیابی به عدالت در کلیه جرایم فوق الاشعار مدنظر سیاست گذاران جنایی است. اما عدالت در معنی خاص همان عدالت قضایی است که فوقاً بیان کردیم.

بنابراین، بحث حمایت از بزه دیدگان به ویژه افراد آسیب پذیر و نیز جرم انگاری رفتار مجرمانه علیه آنها، نمادی از اجرای عدالت کیفری قضایی و غیر قضایی است. به عنوان مثال، یکی از ارزشهای مورد حمایت قانونگذاران در وضع پاره ای از جرایم، برقراری عدالت قضایی است. لذا، تعرض به عدالت قضایی را می توان تحت عنوان «جرایم علیه عدالت قضایی» یا «موانع اجرای عدالت» نامگذاری کرد. یکی از

محور های بحث موانع اجرای عدالت قضایی، موانع ثبوتی آن است. یعنی قانونگذار گاهی اوقات، افراد را الزام به اعلام جرم نسبت به اشخاص آسیب پذیر می نماید. لذا اگر کسانی که نسبت به وقوع جرایم و سوءاستفاده ها و تعرض ها علیه این اشخاص مانند کودکان، پیران، بیماران روانی آگاهی و اطلاع داشته باشند و آن را به مقامات ذیصلاح قانونی و قضایی اعلام نکنند، این عدم اعلام و گزارش جرایم و سوءاستفاده ها باعث ایراد خدشه به عدالت قضایی خواهد شد. از اینرو، لزوم جلوگیری از تخدیش عدالت قضایی و ایجاد مانع در اجرای آن ایجاب می کند که از طریق اعلام جرم در این موارد، علاوه بر اینکه از اشخاص به ویژه اشخاص آسیب پذیر حمایت شود بلکه عدالت قضایی نیز اجرا بشود. بنابراین، لزوم توجه به بزه دیدگان آسیب پذیر و حمایت از آنان در ابعاد گوناگون (جرم انگاری، تشدید مجازات و غیره) در حقیقت، بیانگر احترام و ارج نهادن به اجرای عدالت قضایی و غیر قضایی - که از دغدغه های عمده حقوق کیفری است - می باشد. در حقوق ایران، برای اولین بار در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱، مسأله عدم گزارش جرایم علیه کودکان جرم انگاری شده است. (۱۶) فلسفه چنین جرم انگاری، اجرای عدالت قضایی از منظر کشف بهتر جرم و شناسایی مجرم و بنابه دلایلی مانند ماهیت پنهانی داشتن کودک آزاری از سوی والدین یا سرپرستان قانونی و مؤسسات مسئول، ضعف و ناتوانی روانی و فیزیکی کودکان در مقابله با این جرایم و گزارش آن به مقامات صالح قانونی می باشد. در برخی از کشورها مانند فرانسه دامنه این جرم انگاری نه تنها شامل جرایم علیه کودکان بلکه دیگران را در بر می گیرد. (۱۷)

به نظر می رسد که ماده مذکور واجد چند ایراد است و لذا نیازمند اصلاح و بازنگری می باشد. نخست، این ماده تنها افراد و مؤسسات و مراکزی را که به نحوی مسئولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را دارند تکلیف به گزارش دهی نموده است. چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی که چنین مسئولیتی را نداشته باشند، الزامی به گزارش نخواهند داشت. جهت رفع این اشکال، ممکن است تدللال شود که قید «به نحوی مسئولیت نگاهداری و...» در این ماده به مؤسسات و مراکز برمی گردد و شامل اشخاص حقیقی نمی شود و اشخاصی حقیقی اعم از مسئول و غیر مسئول در حفاظت و سرپرستی الزام به رعایت چنین تکلیفی دارند. اگرچه این استدلال منطقی و منطبق با روح این قانون است اما این ادعا با توجه به «واو» عطف میان دو کلمه «افراد» و «مؤسسات» تا حدودی ابهام انگیز است. لذا ضروری است که قانونگذار محترم به طریقی از جمله با آوردن تبصره در ذیل این ماده، این ابهام را رفع نماید. دیگری، جرم بودن عمل عدم گزارش دهی از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی منوط به «مشاهده موارد کودک آزاری» خواهد بود. لذا، اگر اشخاص مذکور شاهد موارد کودک آزاری علیه کودکان نبوده ولی از طرق مختلف از وقوع جرم علیه کودکان مطلع شوند و یا به تعبیری اطلاعاتی در این زمینه داشته باشند؛ به نحوی که باعث دلالت بر ایجاد ظن قوی بر وقوع جرم علیه کودکان بنماید و از ارائه گزارش آن به مراجع صالح خودداری نمایند، مجرم نبوده و از این حیث قابل تعقیب کیفری به استناد این ماده ۶ نیستند.

ب- جرم شناختی - بزه دیده شناختی

جرم شناسی به عنوان یکی از شاخه های علوم جنایی تجربی تحلیلی است که در یک تعریف خلاصه، عبارتست از: «مطالعه ی علمی جرم، مجرم، عوامل مؤثر در ارتکاب جرم، پیشگیری از جرم و اصلاح و درمان مجرمین». مهمترین آورده ی جرم شناسی این است که تنها رشته ایی است که کوششهای خود را مصروف تبیین علمی عمل مجرمانه یعنی کنکاش پیرامون علت شناسی جنایی عمل مجرمانه و روند ها و نیز آینده آن می نماید. (۱۸) جرم شناسی علمی یا کلاسیک معروف به «جرم شناسی علت شناختی» در سال ۱۸۷۶ با انتشار کتاب معروف «انسان بزهکار»، اثر دانشمند ایتالیایی به نام سزار لمبروزو پا به عرصه وجود گذاشت و محور اصلی آن، مطالعه ی عوامل جرم زا اعم از فردی و اجتماعی است. (۱۹) در مطالعات جرم شناسی علت شناختی، هیچ توجیهی به نقش و تأثیر بزه دیده به عنوان یک عامل جرم زا نشده بود تا اینکه کمتر از یک قرن پس از تولد جرم شناسی علمی، عده ای از اندیشمندان مانند فون هنتیک، مندلسون قلمرو مطالعاتی شان را به سمت کنش گر دیگر صحنه بزهکاری یعنی بزه دیده و نقش و سهم وی در ایجاد و تکوین جرم گسترش دادند که حاصل این مطالعات، ایجاد رشته ای جدید به نام «بزه دیده شناسی علمی» بود. با این توضیح که اصطلاح «بزه دیده شناسی» ابتدا توسط جرم شناسان و جامعه شناسان ایجاد نشده است بلکه از سوی شاعران و رمان نویسانی مانند توماس دی کوینسی، خلیل جبران بوجود آمده است، به گونه ای که از اینها تحت عنوان «بزه دیده شناسان ادبی» یاد می شود. (۲۰) اما اولین مطالعه سیستماتیک درباره بزه دیدگان جرایم در سال ۱۹۴۱ م توسط دانشمندی به نام «فون هنتیک» ابتدا در مقاله ای تحت عنوان «ملاحظات درباره تعامل میان مجرم و بزه دیده و سپس در سال ۱۹۴۸ در کتابی تحت عنوان «مجرم و قربانی او»_ بخش چهارم از کتاب زیر عنوان: نقش بزه دیدگان در تکوین جرم_ صورت گرفته است. فون هنتیک در این کتابش، به بررسی و مطالعه تئوریک انواع بزه دیدگان، ارتباط متقابل میان بزه دیده و بزهکار و نقش بزه دیدگان در بزه دیدگی شان از طریق تحریک و اغوای مجرم اصرار ورزیده است. بعد از فون هنتیک، دانشمندان و جرم شناسانی مانند مندلسون (ابتدا در سال ۱۹۴۷ و سپس در سال ۱۹۵۶)، ولفگانگ^۱ (۱۹۵۸)، امیر^۲ (۱۹۷۱)، عزت فتاح^۳ (۱۹۷۱)، ناگل^۴ (۱۹۶۳)، اس. شافر^۵ (۱۹۶۸) و دیگران با طرفداری از دیدگاه فون هنتیک، اعتقاد بر تأثیر و نقش بزه دیده در ارتکاب جرم و نیز تقسیم بندی بزه دیدگان داشته اند. به طور کلی، با این اوصاف، بزه دیده شناسی اولیه که به «بزه دیده شناسی کیفری یا قربانی شناسی کیفری»^۶ و نیز «بزه

¹ Wolfgang

² Amir

³ Ezzat fattah

⁴ Nagel

⁵ Schafer

⁶ Penal victimology

دیدہ شناسی تعامل گرا^۱ معروف است و به نوعی مرتبط با توصیف علی لز جرم و نقش بزه دیدہ در ایجاد آن است، فی الواقع، بیانگر ادامه مباحث علمی مربوط به علت شناسی جنایی است کہ در بستر جرم شناسی مطرح شدہ است. اما بہ دنبال انتقادات بسیار مهمی کہ تحت تأثیر جریان ہا و جنبش های سیاسی و عقیدتی (بہ ویژہ فمینیست ہا) از آغاز سالہای ۱۹۷۰ بہ رویکرد فوق الذکر بزه دیدہ شناسی شدہ است، رویکرد دوم حاکم بر بزه دیدہ شناسی یعنی «بزه دیدہ شناسی حمایتی» بہ تلاش دانشمندانی مانند خود مندلسون، جہت دفاع از بزه دیدہ و حق وی بر جبران خسارات وارده اعم از مادی، جسمانی، روانی و عاطفی بہ وجود آمدہ است. (۲۱)

بنابراین، بزه دیدہ شناسی علمی در حقیقت مکمل مباحث جرم شناسی علت شناختی است. بر این پایہ؛ بزه دیدہ می تواند بہ عنوان یکی از عوامل پیش جنایی، نقش مهمی را در فرایند جنایی^۲ ایفا کند چراکہ او علاوہ بر تسریع فرایند گذار از اندیشہ بہ عمل مجرمانہ از طریق تحریک و ترغیب بزہکار بالقوہ، ممکن است بہ خاطر خصوصیات و ویژگی های خاص فردی و یا موقعیتی فرصت و زمینہ ارتکاب عمل مجرمانہ را برای بزہکار بالقوہ فراہم کند. بہ عبارت دیگر، اگر بزہکاری معلول عوامل مختلف فردی و اجتماعی است، بزه دیدگی نیز معلول عوامل مختلف مانند جسمی، جنسی، روانی و موقعیتی است و بزه دیدگان آسیب پذیر بہ دلایل مذکور نوعی پیش زمینہ و استعداد قبلی برای بزه دیدہ شدن دارند. بہ همین دلیل بزہکاران بالقوہ قربانیان خود را اغلب از میان افرادی انتخاب می کنند کہ ارتکاب جرم بر روی آنان دارای خطر و ہزینہ بالایی نباشد. بنابراین، اشخاص آسیب پذیر بہ دلیل وضعیت خاص و ویژہ شان موجبات تحریک و ترغیب بزہکاران بالقوہ بہ ارتکاب رفتارهای مجرمانہ علیہ خودشان را تسہیل و فراہم می کنند.

با این اوصاف، می توان گفت کہ بزه دیدگان آسیب پذیر و عوامل بزه دیدگی شان در حقیقت ریشہ در مباحث جرم شناسی بزه دیدہ شناختی دارد کہ از حدود یک سده پیش یعنی از سال ۱۹۴۱ در اندیشہ ہا و آثار دانشمندانی مانند فون ہنتیگ و مندلسون مورد توجہ قرار گرفته بود. در حقوق ایران، می توان از بند ۳ مادہ ۲۲ ق. م. ا ۱۳۷۰ تحلیلی از نوع جرم شناسی بزه دیدہ شناختی را نمود.

ج- کیفر شناختی

ہمانطوری کہ می دانیم، تمامی گروہهای آسیب پذیر بہ عنوان آماجی مناسب، بی دفاع و ضعیف برای بزہکاران حرفہ ای و فرصت طلب هستند. بہ عبارت دیگر، با توجہ بہ اینکہ مجرم معمولاً یک انسانی

^۱ Interactionist victimology

^۲ فرایند جنایی، فرایندی است کہ بہ موجب آن و در نتیجہ روابط، تعامل و کنش های متقابل میان عوامل مختلف گذار از اندیشہ بہ فعل مجرمانہ در نتیجہ طی طریق بہ ارتکاب عمل مجرمانہ پس از پشت سر گذاشتن مراحل مختلف تحقق می یابد. رک: زینالی، حمزہ، اثر فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه دیدگی آنها، رفاه اجتماعی، شماره ۱۳، دانشگاه علوم بہزیستی و توانبخشی، تابستان ۱۳۸۳، ص ۲۰۱.

عقلانی است و با محاسبه سود و ضرر ناشی از رفتار مجرمانه مبادرت به ارتکاب آن می نماید و نیز از آنجایی که تمامی گروههای آسیب پذیر بنا به دلایلی مانند ضعف جسمانی و عاطفی، روحی و وابستگی های اجتماعی، اقتصادی به عنوان آماجی مناسب و راحت تر از سایر افراد و گروههای انسانی برای بهتر به نتیجه رساندن امیال مجرمانه هستند، لذا بزهکاران حرفه ای و فرصت طلب با لحاظ این امر، مبادرت به ارتکاب جرم بر روی آنان می نمایند. به همین دلیل، بایستی در قبال این نوع از افراد (بزه دیدگان آسیب پذیر) از یک سیاست جنایی افتراقی تبعیت کرد. یکی از جلوه های بارز سیاست جنایی افتراقی برای گروههای خاص، در نظر گرفتن و اجرای سیستم «کیفیات مشدده مجازات» است. در این باره بایستی به عقاید و افکار برخی از دانشمندان اشاره کرد که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم می توان از دیدگاههای آنان برداشت فوق را نمود.

سزار بکاریا، صاحب کتاب معروف «رساله جرایم و مجازات ها» در سال ۱۷۶۴، در فصل پانزدهم از کتابش بیان می دارد: «کیفر باید فایده مند باشد. و هدف از مجازات ها، پیشگیری (خاص و عام) یعنی بازداشتن بزهکار از آسیب رساندن به جامعه در آینده و منصرف نمودن سایر شهروندان از رفتن به راه بزهکاری است. برای آنکه کیفر تأثیر مطلوب را داشته باشد، کافی است که رنج حاصل از آن بیش از سودی باشد که از جرم عاید می شود...» (۲۲) به دنبال بکاریا، «ژرمی بنتام» در کتابی تحت عنوان «مجازات ها و پاداش ها» نیز همانند بکاریا معتقد است که «کیفر باید دارای نقش سودمندی (فایده گرایی) باشد. لیکن وی به این نقش کیفر جنبه حسابگرانه و اقتصادی بیشتری، نسبت به بکاریا، می دهد. وی می گوید: هر فرد، حتی به طور ناخودآگاه، بنا بر محاسبه خوبی (نفع و لذت) و بدی (رنج و ناراحتی) حاصل از کردار خود امور خویش را اداره می کند. اگر دریابد که نتیجه عملی که از آن سود می برد کیفر خواهد بود در آن صورت این اندیشه با نوعی قدرت وی را از ارتکاب آن عمل باز می دارد. اگر به نظر وی ارزش کلی کیفر بیشتر از ارزش کل لذت باشد، در آن صورت نیروی بازدارنده، نیروی حاکم خواهد بود و عمل انجام نخواهد شد... باید رنج کیفر از میزان سود بزه تجاوز کند. روی هم رفته فردی که تصمیم به ارتکاب بزه می گیرد، در عمل همچون یک اقتصاد دان با سبک و سنگین کردن منافع و زیان هایی که ممکن است از جرم نصیبش گردد، رفتار می کند. او قاضی منافع خود است. انسان بزهکار، انسانی آزاد، باهوش و عاقل است که به طور واقعی دست به محاسبه می زند.» (۲۳)

در این باره می توان به «تئوریهای عمل مجرمانه» و یا به تعبیری «تئوریهای جرم شناسی تجربی و یا جرم شناسی عمل» و یا جرم شناسی پویا نقطه مقابل «تئوری های سبب شناسی» یا «جرم شناسی اصلاح و درمان» اشاره کرد. این تئوری ها عبارتند از: تئوری «کف نفس» یا نظریه تعهد یا خویششناری _ والتر رکلس، تئوری «اقتصادی جرم» _ گاری بکر، تئوری سبک زندگی روزمره بزه دیدگان بالقوه- فلسون و کوهن و تئوری تحلیل استراتژیک بزهکاری - موریس کوسن. همه این تئوریها بر این نکته اتفاق نظر دارند که مجرم موجودی عقلانی و منطقی است از این رو سزاوار سرزنش و مجازات است. به

عنوان مثال، گاری بکر - طرفدار اصل «سودمندی» بنتام - معتقد است که «عمل مجرمانه یک نوع عمل اقتصادی است و واکنش اجتماعی را به منزله شکلی از سیاست اقتصادی تلقی می کند. به نظر او مجرم یک فرد بیمار نیست بلکه مانند هر فرد دیگر، موجودی منطقی و استدلالی است که بر حسب فایده ای که از نتیجه فعالیت مجرمانه خود انتظار دارد انتخاب می کند و تصمیم می گیرد. سود یا فایده آن عمل مجرمانه یا تجاری همان نفعی است که مجرم از ارتکاب جرم بدست می آورد و زیان آن همان ضرر اجتماعی است که در امکان کشف جرم، دستگیری و مجازات آن نهفته می باشد. احتمالاتی که به حضور پلیس در محل وقوع جرم داده می شود، مقاومت مجنی علیه و سایر تجهیزات ایمنی برای جلوگیری از ارتکاب جرم و نیز درجه احتمال محکومیت کیفری بستگی دارد. بکر می گوید: همانطور که هر قدر ریسک یک فعالیت مشروع بالاتر برود به همان میزان انجام آن فعالیت کمتر می شود، در بزهکاری نیز باید ریسک انجام جرم را برای مباشر جرم بالاتر ببریم به صورتی که ضرری که از مجازات متحمل می شود بیش از سود و لذتی باشد که از جرم بدست می آورد. بنابراین، یکی از راهکارها این است که زرادخانه کیفری (قانون جزا) باید متنوع باشد و میزان مجازات نیز تشدید شود». (۲۴)

بر اساس دیدگاهها و تئوریهای فوق می توان گفت که مجرم مانند انسان های دیگر فردی عقلانی و محاسبه گر است و معمولاً از روی قوه تعقل و اندیشه و با سبک و سنگین کردن سود و زیان حاصله تصمیم به ارتکاب عمل مجرمانه و یا عدم آن می گیرد و برای آنکه مجرم را از تصمیم به ارتکاب چنین فعالیتی منصرف بکنیم، بایستی مجازات را شدیدتر بنماییم. بر همین اساس، دلیل عمده بزه دیدگی و سوءاستفاده علیه بزه دیدگان آسیب پذیر ناشی از وضعیت و یا موقعیت خاص آنان است که امکان مقاومت آنان را در برابر رفتارهای مجرمانه و بهره کشانه از بین می برد و یا کاهش می دهد. از اینرو، بایستی ضرر و زیان ناشی از ارتکاب جرم علیه این دسته از بزه دیدگان را بالاتر ببریم. برای رسیدن به چنین هدف مطلوب، یکی از راهکارهای مفید این است که در قوانین و سیاست ها تدبیری تحت عنوان «کیفیات مشدده مجازات» مورد پیش بینی و تأکید قرار گیرد. به عنوان مثال، میزان و نوع مجازات جرایم علیه این دسته از بزه دیدگان را تشدید نماییم.

به طور کلی، پیش بینی ساز و کار حمایتی از نوع «کیفرانگاری حمایتی» از هر نوع آن گویای یکی از اصول اساسی حاکم بر مجازات ها یعنی «اصل تناسب جرم با مجازات» است. بر اساس این اصل بایستی میان نوع جرم و شدت و وخامت آن و میزان خسارات وارده به منافع و مصالح عمومی ناشی از آن با مجازات یک نوع هماهنگی و تناسب وجود داشته باشد. لذا، در باب لزوم حمایت از بزه دیدگان آسیب پذیر، ضرورت ها و منافع اجتماعی و فردی ایجاب می کند کیفر مرتکبان جرایم علیه اشخاص آسیب پذیر در مقایسه با سایر اشخاص شدیدتر و سنگین تر باشد. زیرا، در غیر اینصورت باعث ترویج نوعی بی عدالتی در سطح جامعه و نظام عدالت کیفری خواهد شد. درباره اهمیت این مسأله گفته شده است: «ضمانت اجراهای جزایی به عنوان ابزاری برای کاهش نرخ جرایم و کاهش خطر بزه دیدگی ناشی از آماج بالقوه به

حساب می آیند. لذا، ضمانت اجراهای شدیدتر و سنگین تر متضمن آماج آسیب پذیری کمتری هستند و چون بر اساس فاکتورهایی مانند سن، جنس، موقعیت برخی گروهها به عنوان آماج جذابتری برای مجرمین هستند، باید به ضمانت اجراهای سنگین تر روی آورد. (۲۵)

در حقوق ایران، مواردی مانند بند ج مواد ۲۰۶ و ۲۷۱ ق. م. ا. ۱۳۷۰، تبصره ۱ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان ۱۳۸۳، قسمت اخیر ماده ۶۲۱ ق. م. ت و ب ۱۳۷۵، تبصره ۳ بند (ب) ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری غیر مجاز فعالیت می نمایند ۱۳۸۶ بیانگر به بکار گیری سیستم کیفیات مشدده مجازات در حمایت از بزه دیدگان آسیب پذیر می باشند.

نتیجه گیری

همانطوری که گفتیم، سیاست جنایی حاکم بر بزه دیدگان آسیب پذیر بایستی مبتنی بر تدابیر و برنامه های حمایتی ویژه و متناسب با نیازها، مشکلات و میزان و نوع آسیب پذیری شان باشد. موضوع حمایت از بزه دیدگان جرایم از نیمه ی دوم قرن بیستم میلادی به ویژه با تصویب منشور بین المللی بزه دیدگان تحت عنوان «اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت» ۱۹۸۵، جنبه ی نظامند و سازمان یافته به خود گرفته است. همچنین تا این زمان مسأله حمایت ویژه و افتراقی از بزه دیدگان خاص مورد توجه سازمان مذکور قرار نگرفته بود، اگرچه به طور پراکنده و اندک در پاره ای از اسناد سازمان ملل متحد به عنوان نمونه، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاقین بین المللی (۱۹۶۶) به برخی از گونه های بزه دیدگان خاص اشاره شده است ولی آغاز جریان حمایت ویژه و نظامند از بزه دیدگان آسیب پذیر در سطح سازمان ملل متحد از سال ۱۹۸۵ به بعد، با تصویب اسناد بین المللی خاص مانند کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، اصول ملل متحد درباره افراد پیر (۱۹۹۱)، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)، کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی (۲۰۰۰)، کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره مبارزه با فساد (۲۰۰۳)، کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۵) و کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت (۲۰۰۶) شکل گرفته است.

اما درباره جایگاه موضوع حمایت ویژه از بزه دیدگان آسیب پذیر در قلمرو اندیشه های علوم جنایی بایستی گفت که اگرچه در اکثر این آموزه های فکری مورد اشاره، به طور مستقیم و صریح به مسأله حمایت از بزه دیدگان به ویژه بزه دیدگان آسیب پذیر و حمایت افتراقی از آنان پرداخته نشده است ولی با این وجود، اغلب می توان از طریق تفسیر و برداشت تلویحی و غیر مستقیم بین آموزه های علوم جنایی و مضامین و محتوای آنها با مسأله ضرورت حمایت افتراقی از بزه دیدگان آسیب پذیر رابطه منطقی و صحیح برقرار نمود. به عبارت دیگر، دلایل ضرورت حمایت افتراقی از بزه دیدگان آسیب پذیر را در آموزه های مذکور می توان در موارد ذیل پیدا کرد: لزوم احترام و ارج نهادن به کارکردها و رسالت های حقوق کیفری و نیز اجرای عدالت قضایی (در حقوق کیفری)، لزوم توجه به نقش بزه دیدگان آسیب پذیر به

عنوان یک عامل جرم زا یا بزه دیده زا و ضرورت پیشگیری از بزه دیدگی آنان و حمایت ویژه از آنها (در جرم شناسی و بزه دیده شناسی) و ضرورت پیش بینی کیفیات مشدده مجازات ها در قوانین کیفری (کیفرانگاری حمایتی) به منظور پیشگیری از بزه دیدگی آنان و یا کاهش آن (کیفرشناسی). بنابراین، مسأله حمایت از بزه دیدگان آسیب پذیر در بطن مضامین و محتوای هر یک از شاخه های علوم جنایی مذکور نهفته است. در حقوق موضوعه ایران، در پاره ای موارد مسأله حمایت ویژه از بزه دیدگان آسیب پذیر نیز مورد توجه و پیش بینی مقنن قرار گرفته است.

Archive of SID

فهرست منابع وماخذ:

- ۱- جهت مطالعه بیشتر، بنگرید:
- لیز، ژرار و فیلیزولا، ژینا، «بزه دیده و بزه دیده شناسی»، ترجمه: روح الدین کرد علیوند و...، تهران، چاپ اول، انتشارات مجد، ۱۳۷۹، صص ۵۶-۵۲.
- ۲- همان، ص ۵۲.
- ۳- به منظور تأیید این ادعا می توان به استدلال ذیل بر مبنای بند ۴ ماده ۵ کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت ۲۰۰۶ که از سوی یک حقوقدان ایرانی شده است، استناد جست: «اصل «دکترینی برابری»، نباید مانع از حمایت های افزون تر از معلولان گردد. به عبارت دیگر «رفتار برابر» با معلولان موجه نیست، بلکه «رفتار به مثابه برابر» موجه و قابل قبول است. عدول از مفهوم ارسطویی «رفتار برابر» به مفهوم مدرن و حقوق بشری «رفتار به مثابه برابر» راه را برای «تبعیض مثبت» و یا «تبعیض معکوس» که دستاورد نوین حقوق بشر معاصر در اقدامات افزون حمایتی از قشرهای کم توان جامعه است، باز می کند». قاری سید فاطمی، سید محمد، «تحول گفتمانی: حق ها و آزادی های معلولان در آئینه حقوق بشر معاصر»، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص ۱۹۵.
- ۴- رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده شناسی حمایتی، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۴، ص ۷۹.
- ۵- عباچی، عباچی، مریم، رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه دیده، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۳-۵۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۱۸۶.
- ۶- عباچی، مریم، پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی کودکان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۸۳، ص ۸۰.
- ۷- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به عنوان نمونه:
- رایجیان اصلی، همان، صص ۷۶-۵۰.
- ابراهیمی، پیمان، «بزه دیده به منزله شاکی و حقوق او در مقررات دادرسی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۳-۵۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، صص ۳۱۹-۲۹۲.
- آبن، مهدی، «حقوق بزه دیده در فرآیند دادرسی کیفری ایران (با تأکید بر لایحه قانون آیین دادرسی کیفری) و انگلستان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷، صص ۲۰۲-۳۱.
- ۸- برای مطالعه بیشتر، به عنوان نمونه، بنگرید:
- رایجیان اصلی، مهرداد، همان، صص ۹۶-۸۱.
- اداره کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، مرکز بین المللی پیشگیری از جرم، «عدالت برای بزه دیدگان»، ترجمه: علی شایان، چاپ اول، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴، صص ۱۷۵-۱۵۳.

- ۹- برای مطالعه بیشتر از مفهوم پیشگیری غیر کیفری، انواع آن و مباحث پیرامون آن، بنگرید؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «پیشگیری عادلانه از جرم»، علوم جنایی (مجموعه مقالات به مناسبت نکوداشت دکتر محمد آشوری)، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، صص ۵۹۴-۵۶۰.
- ۱۰- برای مطالعه بیشتر از نمودار مربوط به رشته های تخصصی تشکیل دهنده «علوم جنایی» و نیز توضیحات اجمالی راجع به آن بنگرید؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «از حقوق جنایی تا علوم جنایی»، دیپاچه کتاب علوم جنایی (مجموعه مقالات به مناسبت نکوداشت دکتر محمد آشوری)، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۳، صص ۱۶-۷.
- ۱۱- برای مطالعه بیشتر از کارکرد ها و نقش های حقوق جزا، رک: کوشا، جعفر، کارکردهای حقوق جزا، مجله تخصصی الهیات و حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲، ۱۳۸۰، صص ۳۴-۲۷.
- ۱۲- همان، صص ۳۱-۳۰ و توجهی، عبدالعلی، اندیشه حمایت از بزه دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران، علوم جنایی (مجموعه مقالات به مناسبت نکوداشت دکتر آشوری)، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳، ص ۶۱۷.
- ۱۳- عبدالفتاح، عزت، از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه دیده، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی و سوسن خطاطان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳، ۱۳۷۱، ص ۸۹.
- ۱۴- کوشا، مآخذ پیشین، ص ۳۳.
- ۱۵- جهت اطلاع بیشتر از این جرایم، رک: کوشا، جعفر، جرایم علیه عدالت قضایی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۱، صص ۸۲-۱۹. و گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، چاپ سیزدهم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، صص ۷۱۴-۷۱۳.
- ۱۶- ماده ۶ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند مکلفند به محض مشاهده موارد کودک آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضائی اعلام نمایند تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون ریال خواهد بود».
- ۱۷- کوشا، جعفر، جرایم عدالت قضایی، صص ۲۹-۲۶.
- ۱۸- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم شناس: صاحب یک تخصص علمی یا کار حرفه ای؟، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۷-۶، ۷۲-۱۳۷۱، ص ۴۱۷.
- ۱۹- برای اطلاع بیشتر از عوامل جرم زا برای نمونه به منابع ذیل، رک:
- نوربها، رضا، زمینه جرم شناسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۳، صص ۲۰۰-۸۱.
- کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، جلد اول، چاپ ششم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، صص ۶۴-۶۲.

دلایل توجیهی حمایت افتراقی از بزه دیدگان آسیب پذیر در پرتو آموزه های علوم جنایی (با نگاهی به قوانین موضوعه ایران)

- نجفی توانا، علی، جرم شناسی، چاپ سوم، انتشارات آموزش و سنجش، تهران، ۱۳۸۴، صص ۲۳۶-۱۴۷.

20- Fattah, Ezzat A (2000), "victimology: past, present and future", *criminology*, V. 33, N.1, p.22.

۲۱- برای مطالعه تفصیلی از تاریخچه مختصر بزه دیده شناسی و تحولات آن به عنوان نمونه، به منابع ذیل رجوع کنید:

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «از جرم مداری تا بزه دیده مداری»، دیپاچه کتاب: بزه دیده و بزه دیده شناسی تألیف ژرار لپز و...، همان، صص ۹-۱۲.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از حقوق کیفری بزه دیده مدار تا عدالت ترمیمی، دیپاچه کتاب: بزه دیده در فرآیند کیفری نوشته مهرداد رایجیان اصلی، چاپ اول، انتشارات خط سوم، ۱۳۸۱، صص ۱۱-۱۸.

- لپز، ژرار، همان، صص ۱۳۹-۵۱.

Fattah , Ezzat A (2000), PP.17-46 .

-Dijk, J.J. Van (1999), "Introducing victimology: Caring for crime victim: ...", the ninth symposium of the world of victimology, criminal justice press, monsey, newyork, pp.1-6.

- Dussich, John p.J (2005) "victimology: past, present and future", Resource material series, N.70, pp.1-2.

۲۲- بکاربا، سزار، رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه: محمد علی اردبیلی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴، صص ۷۹-۷۷.

۲۳- پرادل، ژان، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱، صص ۶۲-۶۱.

۲۴- جهت اطلاع بیشتر از توضیح و تفصیل درباره تئوری های فوق الشعار و یا مکتب جرم شناسی تجربی یا مکتب جرم شناسی پویا و مباحث پیرامون آن بنگرید؛ - نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «تقریرات علوم جنایی (جرم شناسی بزه دیده شناسی» ج ۱، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق - دانشگاه شهید بهشتی، دی ماه ۱۳۸۱، صص ۱۲۸-۹۱ و ۱۳۹-۱۳۶.

25- Guttel, Ehud and Medina, Barak (2007) "Less crime, more (vulnerable) victims: Game Theory and the Distributional Effects of criminal sanctions", *Review of law and Economics*, Number 3& 2, This Article were Presented at the European Law& Economics Association Annual Meeting (Madrid, 2006), p. 3